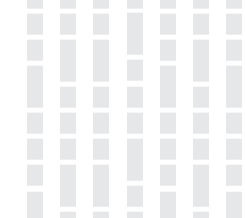
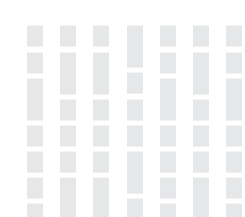


یکشنبه ۱۴ مرداد ۱۴۰۳
شماره ۴۱۹۹

FARHIKHTEGANAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



- مدیرمسئول:**
- محمدامین ایمانجان‌ی
- قائم‌مقام مدیرمسئول:**
- مسعود فروغی
- سردبیر:**
- محمد زعیم‌زاده
- تلفن و فکس:**
- ۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
- کدپستی:**
- ۱۱۳۵۳۳۸۱۶
- چاپ:**
- چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
- نشانی:**
- خیابان حافظ،پایین‌ترازجمهوری
- روبه‌روی ساختمان‌پارس
- ساختمان فرهیختگان،طبقه سوم



احمد اسدزاده، **معاون بین‌الملل وزیر نفت در گفت‌وگو با «فرهیختگان»** تشریح کرد

راستی آزمایی تخفیف نفتی ایران به چین

سید احسان حسینی خبرنگار

ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده منابع هیدروکربوری دنیا، سومین تولیدکننده نفت اوپک و سومین تولیدکننده بزرگ گاز دنیا، یک کشور نفتی محسوب می‌شود که در آن صنعت نفت محور توسعه و لوکوموتیو اقتصادی ایران قرار دارد، به این صورت که هر زمان صنعت نفت کشور به شکوفایی رسیده اقتصاد ایران و معیشت مردم بهبود یافته و هر زمان سرعت پیشرفت کند یا متوقف شده کشور در تنگنای اقتصادی قرار گرفته است. اما بعد از تجربه دهه ۹۰ و شکست ایده توافق با آمریکا برای تقویت همکاری اقتصادی ایران با کشورهای غربی دولت سیزدهم بر توسعه روابط متکی بر انرژی با ۴ کشور و قاره دنیا متمرکز شده بود که نتایج قابل قبولی در مدت کوتاه ۲٫۵ سال به دست آمد و این موفقیت‌های کوچک در دولت چهاردهم امکان تعمیم و توسعه بیشتری دارند. در این راستا برای بررسی فرصت‌های ایران در حوزه انرژی در همکاری با چین، روسیه، آفریقا و آمریکای لاتین و مرور اقدامات معاونت امور بین‌الملل و بازرگانی در دولت سیزدهم با احمد اسدزاده، معاون بین‌الملل وزیر نفت به گفت‌وگو نشستیم.
مشروح گفت‌وگو به شرح زیر است.

■ چین؛ مسیر تنفس ایران در تحریم‌های حداکثری
وضعیت صادرات نفت ایران به چین در دولت سیزدهم نسبت به ابتدای دولت و زمان برجام چه تغییری کرد؟ آیا این اتفاق به دلیل لطف بایدن بود؟
در دولت سیزدهم وزارت نفت بازبایی سطوح پیشین صادرات نفت را در دستور کار خود قرار داد اما بسیاری از بازارهای سنتی به دلایل مختلف از جمله مسائل زیست‌محیطی و بحران‌های سیاسی جهانی با محدودیت تقاضا روبه‌رو بودند و امکان توسعه حضور در این بازارها عملاً مهیا نبود از این رو مشابه دیگر کشورهای نفت‌خیز ایران نیز گسترش حضور در بازارهای جدید را در آسیا و آفریقا در اولویت خود قرار داد. در این راستا با وجود شرایط نامطلوب بازار نفت به دلیل جنگ روسیه و اوکراین، میزان صادرات نفت ایران با افزایش چشمگیری روبه‌رو شد. آمریکا در سال‌های گذشته همواره با تمام توان به دنبال شناسایی و تحریم محموله‌های ایرانی و ایجاد جریمه مالی برای طرف‌های تجاری ما در سایر کشورها بوده و از هیچ اقدام ابتدایی که امکان آن را داشته‌اند فروگذار نکرده است. در چنین شرایطی نه‌تنها صادرات نفت کاهش نیافت بلکه افزایش قابل‌توجهی را نیز تجربه کرد. رقم دقیق و مقاصد صادرات نفت کشور به دلیل شیطنت کشورهای متخاصم قابل‌ذکر نیست اما این میزان حداقل به سه برابر افزایش یافته است.

گفته می‌شود که ایران نفت خود را به چین ارزان می‌فروشد و هزینه تبدیل ارز حاصل از آن ۳۰ درصد است. آیا این گزاره درست است؟
واقع جنگ میان روسیه و اوکراین، تحریم نفت روسیه از سوی آمریکا و اروپا و به دنبال آن سرسازیر شدن نفت این کشور به بازارهای جدید از جمله عواملی است که بازاربایی نفت خام را برای همه صادرکنندگان این محصول دشوار کرده و اگر یک کشور هوشمندنی و انعطاف لازم را نداشته باشد بازار آن توسط کشورهای رقیب تصاحب می‌شود. در این شرایط، ایران نیز با ارائه ابزارهای تشویقی سعی در جذب مشتریان بیشتر برای نفت خام خود دارد. اما اعلام ارقامی نظیر ارائه ۳۰ درصد تخفیف در فروش نفت قطعاً غیرواقعی است. این موضوع وقتی امکان‌پذیر است که ایران از فروش نفت خام خود ناتوان باشد. این در حالی است که اکنون ایران حتی یک بشکه نفت فروش نرفته ندارد و برخلاف ادعاهای معمول با خیل درخواست‌های خرید نفت، به ویژه از سوی کشورهایی که به لحاظ سیاسی با آمریکا زاویه دارند مواجه است.

چرا در یک دهه اخیر، رقم سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران نسبت به کشورهای منطقه کمتر است؟ دولت سیزدهم چه نقاط قوت و وضعفی در این حوزه داشت؟

همکاری ایران با شرکت‌های چینی در صنعت نفت کشور سابقه‌ای طولانی دارد. برخی از این شرکت‌ها اکنون در میان ۱۰۰ شرکت بزرگ جهان قرار داشته و دارایی‌های متعددی در اقصی نقاط جهان دارند. اعمال تحریم‌ها در ابتدا منجر به ترس آنها از شمولیت تحریم بر منافع بین‌المللی آنها شده بود و در برهه‌ای از زمان سطح همکاری خود با ایران را کاهش داده و روند توسعه پروژه‌ها تا حدودی کند شد. در دولت گذشته چینی‌ها از تغییر رویه دولتمردان ایرانی ناخرسند بودند، اما با این وجود براساس اصول رقابت، همکاری‌ها را ادامه دادند. در دولت سیزدهم توسعه روابط خارجی به رفع تحریم‌ها و همکاری با غرب منوط و محدود نشد و از همان روز نخست معرفی روش‌های جدید برای همکاری با سایر کشورها در دستور کار وزارت نفت قرار گرفت. با آسبب شناسی همکاری‌های پیشین، ساختارهای جدید برای ارتقای همکاری B2B و همچنین شرکت‌های دولتی معرفی شد و امروز بالغ‌بر ۲۰ میلیارد دلار قرارداد و تفاهننامه همکاری با شرکت‌های چینی تعریف شده و در روند اجرا قرار دارند.

این انتقاد به دولت سیزدهم وارد می‌شود که درباره همکاری با چین برنامه مشخصی نداشت و به همین دلیل توانست انتظارات را در تعمیم همکاری‌ها و اجرای سند ۲۵ ساله برآورده کند.

اتفاقاً در وزارت نفت توسعه روابط با چین کاملاً با برنامه و هدفمند دنبال شد. برخی رفتارها در دولت قبل نظیر خلع بد شرکت‌های چینی از برخی پروژه‌ها منجر به ایجاد وقفه همکاری با این شرکت‌ها در همه زمینه‌ها شده بود. در دولت سیزدهم تلاش شد با ایجاد اعتماد متقابل، زمینه‌ها از سرگیری قرارداد‌های جاری و انعقاد قرارداد‌های جدید فراهم شود که دستاوردهای قابل قبولی برای کشور داشته است. وزارت نفت براساس اصول توسعه زنجیره ارزش و انتقال و بومی سازی تکنولوژی و البته تقویت حضور در بازارهای بین‌المللی با بررسی و پالایش طرح‌های سرمایه‌گذاری خود فرصت‌های همکاری را در اختیار نهادهای مرتبط چینی و همه سرمایه‌گذاران خارجی قرار داده است.

آیا چینی‌ها تا برجام احیا نشود یا FATF-اجرای نشود حاضر به همکاری با ایران نیستند؟

ببینید سابقه ما در افزایش فروش نفت و ترغیب شرکت‌های چینی به سرمایه‌گذاری در طرح‌های صنعت نفت در دولت سیزدهم این ادعا را نقض می‌کند. البته که نبود محدودیت‌های تحریمی همکاری‌ها را تسهیل می‌کند ولی ما با معرفی شیوه‌های جدید همکاری و انتقال منابع

راه‌های بی‌اثر کردن تحریم‌ها را به خوبی فراگرفته‌ایم و تضمین می‌کنیم که تحریم‌های ظالمانه منافع طرف‌های ما را متاثر نمی‌کند.

■ روسیه؛ رقیبی سنتی مایل به شراکت راهبردی
در دولت سیزدهم چه همکاری‌هایی با روسیه در حوزه انرژی شکل گرفت؟ بخش‌های مختلف تفاهننامه با گازپروم در چه وضعیتی است؟
پیگیری و رفع موانع اجرای قرارداد‌های توسعه میدان نفتی مشترک آبان، پایدار غرب، چنشمه خوش، دالپری و پایدار شرق از جمله اقداماتی بود که انجام شد و همچنین برای توسعه میدان نفتی شادگان و کوپال دو قرارداد با دو شرکت روسی به امضا رسید. امضای تفاهننامه توسعه میدانین گازی ارم و پازن و توسعه میدانین نفتی دهلران و دانان از دیگر اقدامات بود. همچنین یک تفاهننامه همکاری جامع با شرکت گازپروم با حجم سرمایه‌گذاری تقریبی ۴۰ میلیارد دلار در تیر ۱۴۰۱ ساماندهی شد که ذیل آن توسعه ۶ میدان نفتی (کرنج، آذر، چنگوله، آب‌ تیمور، منصور، دارخوین فاز ۳) با شرکت گازپروم نفت، توسعه میدان‌های گازی کیش و پارس شمالی با شرکت گازپروم و اجرای خطوط لوله انتقال گاز ایران به پاکستان و ذخیره‌سازی گاز طبیعی و تولید LNG تعریف شده است. هم‌اکنون مطالعات مربوط به میدان نفتی توسط طرف روس با اولویت میدانین آب تیمور و منصورى ارائه شده و مذاکرات بین طرفین در جریان است و درخصوص میدانین گازی نیز جلسات و مذاکرات متعدد درخصوص احجام گاز تجویلی و مدل قراردادی انجام شد و مذاکرات ادامه دارد. گفته می‌شود که اینها همه تفاهننامه است خب بله کار ابتدا از تفاهننامه شروع می‌شود و این اسناد در حقیقت به معنای آغاز فرآیند تبادل اطلاعات و مطالعه است.

اگر ممکن است کسی جزئی‌تر وارد این موضوع شویم؛ مثلاً تجارت گاز و فرآورده، انتقال تکنولوژی و صدور خدمات فنی و مهندسی و سایر همکاری‌های دو کشور در حوزه پتروشیمی چه پیشرفتی دارد و چه فرصت‌هایی برای ایران با ارمغان می‌آورد؟

در دولت سیزدهم همکاری در تجارت گاز طبیعی و سوآپ گاز با روس‌ها شکل گرفت و طرح ایجاد هاب گازی در ایران مطرح شد. البته هاب شدن الزامات متعددی دارد و منظور ما از هاب در حقیقت تبدیل شدن به چهارراه تبادل انرژی از جمله گاز است و با توجه به زیرساخت‌های وسیع کشور این امر شدنی است اما در معنای دقیق کلمه برای هاب شدن الزامات حقوقی، سیاسی و بانکی لازم است که به نظر هنوز این شرایط در کشورمان آماده نیست اما باید روی این ایده کار کرد. در این باره مذاکرات در سطوح مقامات کشور انجام شده و جلسات متعدد وزیر نفت و مدیرعامل شرکت گازپروم طی دو سال اخیر درنهایت به امضای توافقنامه راهبردی انتقال گاز روسیه به ایران ختم شد. جزئیات این موضوع البته فعلاً قابل طرح نیست ولی موضوع کاملاً جدی است و در سطح بالایی مطرح و در حال پیگیری است. در دولت سیزدهم کانالیست ایرانی برای استفاده در صنعت پتروشیمی روسیه صادر شد. همچنین جریان صادرات محصولات پتروشیمی، خدمات پشتیبانی، مشاوره و ارائه لیسانس و همکاری‌ها با شرکت بزرگ پتروشیمی سیپور برقرار شد که باید در ادامه تقویت شود. همچنین نقشه راه همکاری‌های علمی و فنی در صنایع نفت و گاز دو کشور» در اردیبهشت ۱۴۰۱ فی‌مابین وزارت نفت و انرژی دو و کشور به امضا رسید. ما در بخش فناوری همکاری‌های خوبی را می‌توانیم با روسیه شکل بدیم. روسیه دارای انستیتوهای تحقیقاتی قوی است که برخی از تکنولوژی‌های مورد نیاز ما را دارا هستند. در همین قضیه ساخت لوله‌های CRA، روس‌ها شرکت‌های توانمند لوله‌سازی دارند و ما تلاش کردیم شرکت هایمان را به هم نزدیک کنیم. البته سطح همکاری‌ها در حوزه انتقال تکنولوژی شامل موارد زیادی است که اینجا مجال طرح همه آنها نیست.

■ آفریقا، یک بازار ناب ۱۰۰ میلیارد دلاری
آفریقا ازجمله قاره‌هایی است که همواره مورد غفلت واقع شده. چه فرصت‌هایی در این قاره در حوزه انرژی برای ایران وجود دارد و چه اقداماتی انجام شده است؟

قاره آفریقا از ظرفیت‌های بالقول و بالفعل و بالقوه فراوانی در حوزه انرژی برخوردار است. این فرصت به صورت بالقوه وجود دارد که ما به کشورهای آفریقایی صادرات نفت خام، میعانات گازی، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی داشته باشیم. همچنین به آنکا به توان فنی مهندسان ایرانی می‌توانیم در احداث و تعمیرات پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های کشورهای این قاره مشارکت کنیم، مشابه آنچه در ونزوئلا رخ داد. صدور خدمات فنی و مهندسی از بالادست تا پایین دست به ویژه اجرای طرح‌های دوگانه‌سوز کردن خودروها و احداث خطوط لوله از دیگر فرصت‌هاست. منابع طبیعی معدنی فراوان و متنوع این قاره ازجمله آهن، مس، منگنز، بوکسیت، لیتیوم، الماس، طلا و نفت و گاز، هم اکنون موردنیاز صنایع داخلی ایران و در آینده نه‌چندان دور اهمیت راهبردی برای توسعه صنایع و تکنولوژی‌های جدید از جمله باتری‌های لیتیومی برای خودروها، انواع رایانه، تلفن همراه و… خواهد داشت. ایران می‌تواند سازوکاری تعریف کند که محصولات نفتی خود را به مقصد این قاره بفروشد و مواد معدنی موردنیاز را تامین کند. ما باید به دنبال راهکارهایی مکمل با کشورهای آفریقایی باشیم.

دولت سیزدهم چه اقداماتی برای افزایش تعاملات با کشورهای آفریقایی انجام داده است؟

برنامه متعدد و متنوعی برای گسترش همکاری‌های دو یا چندجانبه در قالب امضای تفاهننامه همکاری، همکاری در چهارچوب سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی OPEC، GEFC، OPEC و بریکس طراحی شده است. سفر رئیس‌جمهور شهید به کشورهای اوگاندا، کنیا، زیمبابوه، عضویت ایران در گروه بریکس، حضور در اجلاس سران بریکس در آفریقای جنوبی و اجلاس سران کشورهای صادرکننده گاز (GEFC) الجزایر و تشکیل کارگروه‌های مختلف در دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت نفت برای پیگیری موضوعات و تفاهننامه‌ها موید این مطلب است. از بین ۱۳ قلم بازرش ترین محصولات وارداتی آفریقا، فقط ۱۰۰ میلیارد دلار شامل نفت و مشتقات نفتی است که هم‌اکنون ایران تولیدکننده آنها و می‌تواند به کشورهای آفریقایی صادرات داشته باشد. رقم صادرات ایران به آفریقا در دولت قبل فقط ۶۰۰ میلیون دلاری یعنی ۰٫۱ درصد از کل واردات آفریقا بود و این سهم باید در گام نخست حداقل به ۴ میلیارد دلار و سپس به ۱۰ میلیارد دلار افزایش یابد.

گفته می‌شود که آفریقا شامل کشورهای فقیر است و همکاری ایران با آفریقا در شرایط تحریم، شبیه آن است که انگار کوری عکاش کوری دگر شده باشد. آیا این نگاه به آفریقا درست است؟

مستحضرید که تجارت پلی دوسویه است و قاره آفریقا با بهره‌مندی از موقعیت مناسب جغرافیایی، وضعیت آب و هوایی، منابع معدنی و ذخایر نفت و گاز، فرصت‌های همکاری مختلفی از طریق مدل‌های متنوع قراردادی ازجمله تهاتر برای ایجاد تراز تجاری مثبت و پایه‌گذاری اقتصاد مکمل را داراست. اگر آفریقا ثروتمند نیست، قطور کشورهای دیگر مانند امارات، قطر، عمان، ترکیه و عربستان برای توسعه همکاری با آن از همدیگر سبقت می‌گیرند. یادم هست در جلسه‌ای وزیر خارجه چین می‌گفت اولین سفر من در ابتدای هر سال جدید میلادی به آفریقااست؛ چراکه فرصت‌های فراوانی دارد. با وجود الزام و تعهد کشورهای این قاره به کاهش خالص صفرکری‌ن در استفاده از منابع تجدیدپذیر برای تامین انرژی، همچنان ۹۰ درصد انرژی این قاره از سوخت‌های فسیلی تامین می‌شود که در این میان بیشترین سهم مربوط به نفت و گاز طبیعی است. از طرف دیگر در سال‌های اخیر اکتشاف منابع قابل توجه نفت و گاز در برخی از کشورهای آفریقایی (نامیبیا، اوگاندا، آفریقای جنوبی، موریتانی، سنگال) منجر به افزایش سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی برای بهره‌برداری از این منابع شده و ما هم باید به دنبال اخذ سهم‌مان از افزایش تقاضای آفریقا به انرژی باشیم. ضروری است دولت چهاردهم نیز مسیری را که در تعامل با آفریقا آغاز شده، ادامه دهد که ارائه مشوق‌ها و امتیازات جذاب برای ترغیب شرکت‌های داخلی جهت حضور در بازار آفریقایکی از این اقدامات است. حمایت از بخش خصوصی توسط صندوق ضمانت صادرات ایران، استفاده از ظرفیت مدل‌های متنوع قراردادی از قبیل مشارکت و تهاتر با منابع معدنی ارزشمند کشورهای آفریقایی و تاسیس شرکت‌های مشترک تولید، توزیع و بازاربایی در کشورهای هدف با مشارکت کشورهای ثالث از دیگر اقدامات بوده است. با آفریقا با روش‌های متعارف نمی‌توان کار کرد و باید به دنبال راهکارهای سه‌جانبه و چندجانبه باشیم. برخی از احزاب اسلامی در آفریقا به قولی از ما التماس دعا داشته و فرصت‌ها و توانمندی‌های خوبی هم دارند. اگر به این قبیل موارد رسیدگی خوبی شود، می‌توان هم در جهت توسعه نفوذ و افزایش عمق استراتژیک کشور بهره برد و هم بازارسازی جدیدی در مقوله تجارت و صادرات خدمات فنی و مهندسی انجام داد.

■ صادرات نفت ایران به بیخ گوش آمریکا
به سرآغ آمریکای لاتین برویم. در دولت سیزدهم با ونزوئلا چه همکاری‌هایی شکل گرفت و چه دستاوردهایی برای کشور دیی داشت؟ چه قرارداد‌هایی امضا شد، در حال اجراست یا به اتمام رسیده است؟

بی‌تردید پروژه تعمیرات اساسی پالایشگاه ال‌پالیتو یکی از مهم‌ترین دستاورد دولت سیزدهم در قضیه دیپلماسی انرژی است. این پروژه از زمان دولت قبل در معاونت بین‌الملل مطرح شد و اصل این ایده آن موقع شکل گرفت در واقع هم برای ونزوئلا و هم برزیل. این پروژه به مبلغ ۱۱۰ میلیون یورو با شرکت نفت ونزوئلا در سال ۱۴۰۱ به امضا رسید. تاکنون بیش از ۹۵۰ تن تجهیزات با استفاده از کشیرانی ج.ا.ایران به ونزوئلا ارسال شده که حدود ۸۷ درصد قرارداد را پوشش داده است. این پروژه اولین حضور پررنگ یک شرکت پالایشگاه‌ساز ایرانی در خارج از کشور است. البته کاستی‌هایی هم وجود داشته‌که باعث وقفه در کار تعمیرات شده که مربوط به کندی حمل‌ونقل و مشکلات ترخیص در کشور مقصد بود. خوشبختانه این مشکلات مدیریت شده‌اند و پروژه هم اکنون روزهای پایانی خود را می‌گذراند. پروژه‌های دیگری هم هستند که در ونزوئلا توسط شرکت‌های نفتی کشورمان در حال انجام یا در مرحله قرارداد و تصویب در هیات‌مدیره شرکت نفت و گاز آن کشور هستند. از جمله پروژه نوسازی تاسیسات بارگیری و تخلیه بندر خوزه که اکنون توسط شرکت پتروپارس با سرعت تحسین‌برانگیزی در حال انجام است. پروژه احداث خط لوله ۵۴ کیلومتری آلتا‌گراسیا-آرپچونا که گزارش نهایی پروژه تهیه و به طرف ونزوئلابی ارائه شده و در مرحله تصویب هیات‌مدیره شرکت گاز آن کشور قرار دارد. اواخر سال گذشته همکاری‌های پتروشیمی بین ایران و ونزوئلا هم آغاز شده و شرکت پتروشیمی ونزوئلا (پکین) درخواست گوگرد و کانالیست کرده که درحال رسیدگی است. اخیراً ده‌ها پیشنهاد فنی- مالی هم توسط شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی برای مشارکت در پروژه‌های پتروشیمی آن کشور تهیه و ارسال شده که درصورت پذیرش آنها توسط شرکت ونزوئلابی، راه برای همکاری‌های بیشتر نیز باز خواهد شد. ما در کار با ونزوئلا به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارد باید زیرسازمی کردیم.

چه فرصت‌های دیگری در آمریکای لاتین در حوزه انرژی وجود دارد؟ آیا با کشورهای نظیر نیکاراگوئه، کوبا و… نیز وارد همکاری شده‌اید؟

برخی کشورهای آمریکای لاتین درخواست خرید نفت خام و کاندنسیت (میعانات گازی) را دارند که در دست پیگیری است. به کشور دیگری یک محموله نفتی صادر شد که بخشی از مبالغ آن با دارو و مطالبات آن کشور از انستیتو ماسنور تسویه شد. با نیکاراگوئه وارد مذاکراتی برای ساخت پالایشگاه شده‌ام که درصورت وجود تضامین لازم برای بازگشت سرمایه سهم شرکت سرمایه‌گذار ایرانی و تامین باقی مانده از سرمایه‌گذاران خصوصی دیگر قابل اجراست. صادرات خدمات فنی و مهندسی و ارائه خدمات آموزشی تخصصی موردنیاز صنایع نفت آن منطقه نیز از اهداف و برنامه‌های وزارت نفت است.

چرا همکاری با این کشورها به کندی پیش رفت و به نظر شما دولت چهاردهم باید چه اقداماتی انجام دهد؟

آمریکای لاتین عمدتاً از کشورهای کم‌درآمد ولی غنی از نظر منابع طبیعی تشکیل شده است. به دلیل ریسک‌های بالای سرمایه‌گذاری در این کشورها، عمدتاً سرمایه‌گذاران از حضور در این کشورها منصرف می‌شوند. استراتژی ما برای حضور در آمریکای لاتین از ابتدا بر کسب درآمد از پتانسیل‌ها و پروژه‌های نفتی و گازی آن کشورها و نه‌اینها

تهاتر با محصولات تولیدی (عمدتاً کشاورزی) در آن منطقه بوده است. به‌نظر بنده دولت چهاردهم می‌تواند با ادامه سیاست فعلی و حتی تقویت آن، پروژه‌های نیمه‌تمام و در دست قرارداد را به انجام برساند و برای کشور درآمد کسب کند و حتی باید به فکر گرفتن پروژه‌های جدید و ارتقای همکاری‌ها باشد.

